

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث دانشگاه الزهراء

سال دهم، شماره ۱، ۱۳۹۲، پیاپی ۱۹

بررسی زیبایی‌شناسی مقابله و فاصله در سوره الرحمن

هادی رضوان^۱

داوود زرین‌پور^۲

تاریخ دریافت: ۸۹/۱۱/۱

تاریخ تصویب: ۹۰/۱۰/۱۷

چکیده

زیبایی‌شناسی یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نقد در دوران معاصر است؛ به گونه‌ای که ناقدان و اهل فن، به جنبه‌های گوناگون آن توجهی خاص کرده‌اند.

از آنجا که امروزه، متون ادبی از جنبه‌های مختلف فنی، لغوی، بلاغی و همچنین از نظر اسلوب و ساختار تحلیل و بررسی می‌شوند، نگارندگان درصدد یافتن گوشه‌ای از زیبایی‌های سوره‌ای هستند که «عروس قرآن» نامیده شده است. صنعت مقابله - که یکی از اسلوب‌های بلاغی است و در قرآن کریم نیز به بهترین شکل نمود یافته است - در این سوره مبارکه، زیبایی، طراوت و جذابیتی اعجاب‌آور را پدید آورده است؛ علاوه بر آن، مبحث فاصله نیز - که نمودی از نظم قرآنی است - زیبایی‌های این سوره را دوچندان کرده است.

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه کردستان. hadirezwan@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه اصفهان davoodzarinpour@yahoo.com

در این پژوهش، از منظر زیبایی‌شناختی به متن قرآن- که به حق در اوج استحکام و زیبایی قرار دارد- نگریسته و دو اسلوب بلاغی مقابله و فاصله را در سوره الرحمن بررسی کرده‌ایم.

واژه‌های کلیدی: زیبایی‌شناسی، سوره الرحمن، مقابله، فاصله.

۱. بیان مسأله

از دیرباز تاکنون، زیبایی و زیبایی‌شناسی در تمام جنبه‌ها و شکل‌هایش، مورد توجه ناقدان و اندیشمندان بوده است. در این حوزه، قرآن کریم به عنوان معجزه جاوید الهی، و منبع فیض و هدایت بشری، از منظر معنا و لفظ، سخنوران جهان و به ویژه اعراب را به تحدی در برابر خود فراخوانده است؛ البته تلاش مدعیان علم و ادب برای اظهار فضل در مقابل کلام الهی، راهی جز عدم نیافته و این عامل سبب شده است همگان در برابر این دریای بی کران، زانوی شاگردی بر زمین نهند و در حد توانشان، روح خود را از معارف و زیبایی‌های بی پایان این کتاب آسمانی بیورند. در میان سوره‌های قرآن کریم، سوره الرحمن، «عروس قرآن» نامیده شده است. این عنوان، زیبایی بسیار زیاد این سوره را بیان می‌کند و محققان و اندیشمندان را بر آن داشته است که در نوشته‌هایشان، این سوره را از دیدگاه زیبایی‌شناختی بررسی کنند. در این پژوهش، با محور قرار دادن دو بحث مقابله و فاصله، جنبه‌های زیبایی‌شناختی این سوره را از دیدگاهی تازه بررسی کرده و بخشی از زیبایی‌های نامحدود آن را نشان داده‌ایم.

۲. تعریف‌ها

در این بخش، نخست، سه مفهوم زیبایی‌شناسی، مقابله و فاصله، و نظر علما را درباره آن‌ها بررسی می‌کنیم و سپس درباره زیبایی‌شناسی مقابله و فاصله سخن می‌گوییم.

۲- زیبایی‌شناسی

در طول تاریخ، ناقدان و اهل فن در عرصه‌های مختلف، از دو دیدگاه به مبحث زیبایی‌شناسی پرداخته‌اند: بعضی «صورت پرست‌اند و همه صورت می‌بینند و از معنا غافل، و گروهی که بسیار اندک‌اند و نادر، همه معنا می‌نگرند و از صورت نیز غافل نیستند» (الهی قمشه‌ای، ۱۳۷۷ش: ۹). تلفیق ظاهر و باطن در کلام عاقلان، عالمان و فصیحان، در جای‌جای متون، به روشنی دیده می‌شود؛ تا جایی که بلخ‌ترین انسان عالم، یعنی پیامبر اکرم (ص) نیز زیبایی ظاهری را فارغ از زیبایی معنوی، هیچ انگاشته و فرموده است: «ای مردم! از خضراء‌الدمن پرهیزید!»؛ هنگامی که اصحاب پاک ایشان مفهوم این کلام را جویا شدند، آن حضرت تصریح کردند منظور، زنان زیبایی است که در محیط و فضای فاسد رشد کرده‌اند (کلینی، ۱۳۶۵ش: ۳۳۲).

در حوزه ادبیات، «زیبایی‌شناسی عبارت است از نیکویی، شکوه، برجستگی، تناسب، دقت در نظم و ترتیب چینش صفات زیبا در شکل، مضمون، وظیفه و هدف» (جمعه، ۲۰۰۵م: ۴۴). از این تعبیر درمی‌یابیم زیبایی، تلفیقی از صورت و معناست و وجود هر یک از این دو، در صورت نبود دیگری نمی‌تواند انتظارهای مخاطب را برآورد.

مفاهیم یادشده در نظریه معروف عبدالقاهر جرجانی هم به بهترین شکل نمود یافته است؛ به‌ویژه آنجا که گفته است: «نظم به این معناست که الفاظ را در جایی قرار دهی که مقتضای قوانین و اصول نحوی می‌باشد و از آن‌ها عدول نمایی» (جرجانی، ۱۹۸۴م: ۸۱). او در ادامه گفته است: تا اینجا مشخص شد که مدار بحث نظم، بر پایه معانی و قواعد نحوی است؛ اما نکته مهم، آن است که زیبایی و مزیت نظم، به اعمال درست قوانین نحوی، منحصر نیست؛ بلکه این مزیت در معانی و اغراضی جای دارد که کلام به آن دلیل وضع شده است (جرجانی، ۱۹۸۴م: ۸۷)؛ بنابراین، در حوزه زیبایی‌شناسی، ساختار فنی متن ادبی از جهت الفاظ، ترکیب‌ها، تصویرها، موسیقی و معانی آن بررسی می‌شود و این زیبایی، دستاورد هوش بشری، ذوق سرشار و عقل فعال، و با استمداد از عناصر زیباست.

در قرآن کریم نیز لفظ و معنا به گونه‌ای با هم گره خورده و زیبایی‌ای ماندگار آفریده‌اند که سخنوران عصر نزول در حیرت فرورفته‌اند. ولید بن مغیره پس از شنیدن کلام الهی، نظر خود را

درباره آن، چنین بیان کرده است: «وَاللَّهِ إِنَّ لَهُ لَطَلَاوَةً وَإِنَّ عَلَيْهِ لَحَلَاوَةً وَإِنَّ أَعْلَاهُ لَمُثْمِرٌ وَإِنَّ أَسْفَلَهُ لَمُعْدِقٌ وَمَا يَقُولُ هَذَا بَشَرٌ» (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۱۶۷)؛ یعنی: به خدا سوگند این کلام، سرشار از زیبایی، ملاحظت، شیرینی و خرمی است و نمی‌تواند کلام بشر باشد.

قرآن کریم را نیز به‌عنوان یک نصّ، از دیدگاه زیبایی‌شناسی در دو مقوله لفظی و معنوی می‌توان بررسی کرد.

با توجه به آنچه گفتیم، تفاوت زیبایی‌شناسی در متون ادبی با کلام الهی، آن است که نوآوری‌های ادبی انسان با توجه به ذوق، و میزان شمول مفاهیم و ارزش‌ها در عقل او صورت می‌گیرد؛ اما زیبایی‌شناسی در نصّ قرآنی، عبارت است از بررسی زیبایی در تمام ابعاد آن و دیدن جلال و کمال مطلق در تمام سبک‌های ممکن؛ از این نظر که کلام الهی، از نوع معجزه است و بیشترین اثر را در روح آدمی برجای می‌گذارد؛ چنان که می‌توان این کتاب آسمانی را به‌عنوان مبنایی برای ارزش‌گذاری نوآوری‌های ادبی بشر مورد توجه قرار داد (جمعه، ۲۰۰۵م: ۱۶ و ۱۷).

۲-۲. مفهوم مقابله

قرآن کریم که نسخه شفابخش و هدایتگر بشر است، از نظر ادبی، سرشار از ارزش‌های بلاغی، فنی، نقدی، ادبی، اسلوبی، لغوی و... است که پس از نزول آن، در تمام دوره‌ها مورد توجه اهل فن بوده و هر کدام به گونه‌ای، ذهن، زبان و روان خود را از این اقیانوس بی‌کران سیراب کرده‌اند.

یکی از انواع ادبی-بلاغی، مقابله است که در ادبیات عربی و به‌ویژه قرآن کریم، به بهترین شکل به کار گرفته شده است. در تعریف مقابله گفته شده است «عبارت است از اجتماع دو یا چند معنا در یک سو و سپس آوردن معانی مقابل آن در سوی دیگر» (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۲۶)؛ مانند این حدیث پیامبر اکرم (ص): «إِنَّ الرَّفْقَ لَأَيْكُونُ^(۱) فِي^(۲) شَيْءٍ إِلَّا زَانَهُ^(۳) وَ لَأَنْزِعَ^(۴) عَنْ^(۵) شَيْءٍ إِلَّا شَانَهُ^(۶)» (طبرسی، ۱۳۸۵ش: ۱۷۹)؛ یعنی: رفق در هر چه باشد، آن را مزین می‌کند و از هر چه گرفته شود، زشت می‌شود.

محمود یاسین در کتاب *من روائع البدیع* (۱۴۱۸ق: ۱۲۶ تا ۱۲۸) مقابله را به پنج نوع بدین شرح

تقسیم کرده است:

الف) مقابلهٔ دویه‌دو؛ مانند: «إِنَّكُمْ لَتَكْثُرُونَ (۱) عِنْدَ الْفَرَعِ (۲) وَ تَقْلُونَ (۱) عِنْدَ الطَّمَعِ (۲)» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۲ / ۱۰۵)؛ یعنی: شما (ای انصار)! در سختی‌ها زیاد حضور دارید و در آنجا که بحث چشم‌داشت است، حضور کم‌رنگ دارید.

ب) مقابلهٔ سه‌به‌سه؛ مانند: «وَيُحِلُّ (۱) لَهُمُ (۲) الطَّيِّبَاتِ (۳) وَيُحَرِّمُ (۱) عَلَيْهِمُ (۲) الْخَبَائِثَ (۳)» (قرآن، اعراف: ۱۵۷)؛ یعنی: پاکیزه‌ها را برایشان حلال و ناپاک‌ها را بر آنان حرام می‌کند. این‌گونه مقابله، در این سخن امام علی (ع) نیز دیده می‌شود: «إِنَّ الْحَقَّ (۱) ثَقِيلٌ (۲) مَرِيٌّ (۳) وَإِنَّ الْبَاطِلَ (۱) خَفِيفٌ (۲) وَبِيٌّ (۳)» (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴ق: ۳۱۳)؛ یعنی: همانا حق، سنگین و پربار، و باطل، سبک و بدانجام است.

ج) مقابلهٔ چهاربه‌چهار؛ مانند: «فَأَمَّا مَنْ أُعْطِيَ (۱) وَ اتَّقَى (۲) وَ صَدَّقَ (۳) بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى (۴) وَ أَمَّا مَنْ بَخِلَ (۱) وَ اسْتَغْنَى (۲) وَ كَذَّبَ (۳) بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْعُسْرَى (۴)» (قرآن، لیل: ۵ تا ۱۰)؛ یعنی: کسی که بذل و بخشش کند و پرهیزگاری درپیش گیرد، و به پاداش خوب ایمان و باور داشته باشد، او را آمادهٔ رفاه و آسایش می‌کنیم؛ و اما کسی که تنگ‌چشمی بکند و خود را بی‌نیاز بداند و به پاداش خوب ایمان و باور نداشته باشد، او را برای سختی آماده می‌کنیم.

د) مقابلهٔ پنج‌به‌پنج؛ مانند این بیت از صفی‌الدین حلّی:

كَانَ (۱) الرِّضَا (۲) بِدُنُوِي (۳) مِنْ (۴) خَوَاطِرِهِمْ (۵)

فَصَارَ (۱) سَخَطِي (۲) لِبُعْدِي (۳) عَن (۴) جَوَارِهِمْ (۵)

(حموی، ۱۹۸۷م: ۱ / ۱۳۲)

یعنی: رضایت و آرامش خاطر من آن‌گاه بود که به یاد و خاطرهٔ آن‌ها نزدیک بودم؛ اما دوری من از هم‌نشینی با آن‌ها اسباب رنجش و ناراحتی‌ام شد.

ه) مقابلهٔ شش‌به‌شش؛ مانند این بیت از عنتره العبسی:

عَلَى (۱) رَأْسِ (۲) عَبْدٍ (۳) تَاجٌ (۴) عِزٌّ (۵) يُزِينُهُ (۶)

وَفِي (۱) رِجْلِ (۲) حُرٍّ (۳) قَيْدٌ (۴) ذَلٌّ (۵) يُشِينُهُ (۶)

(عباسی، ۱۹۴۷م: ۲ / ۲۱۰)

یعنی: بر سر برده‌ای، تاجی از عزت نهاده شده که او را می‌آراید؛ در حالی که در پای انسان آزاده‌ای، بند خواری بسته شده که او را ذلیل کرده است.
با توجه به آنچه گفتیم:

هیچ‌یک از محققان و اهل فن در اینکه صنعت تقابل در علم بدیع، از دل مفهوم طباق = رویارویی دو لفظ متضاد برآمده، شکی ندارد؛ اما بعضی از ناقدان و علمای بلاغت، ابعاد، مفاهیم و دایره شمول مقابله را افزایش داده و تفاوت‌هایی بین تقابل و طباق قائل شده‌اند (جمعه، ۲۰۰۵م: ۱۴۳).

تفاوت مقابله و طباق، آن است که طباق در جمع بین دو لفظ متضاد صورت می‌گیرد؛ اما مقابله معمولاً بین چهار تا ده لفظ متضاد واقع می‌شود (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۲۶). تفاوت دیگر این دو صنعت، آن است که:

طباق فقط میان اضداد است؛ در حالی که مقابله هم میان اضداد واقع می‌شود و هم غیراضداد؛ مانند آیه ۷۳ سوره قصص: «وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۲۶).

معنای آیه بدین شرح است: این از لطف و مرحمت الهی است که شب و روز را برای شما آفریده است تا در آن بیارامید و فضل خدا را بجوید و سپاس‌گزار باشید.
با توجه به تفاوت‌های بین این دو صنعت بدیعی می‌توان گفت:

اصطلاح «مقابله» دارای صفت شمولی است و نمی‌توان آن را در مفهوم مقابله طباقی محدود کرد. این اصطلاح، دارای صفت جمع برای اسلوب توازن، تماثل^۱، نگارگری، ازدواج^۲، ارداف^۳،

۱. «تماثل» به معنی اتحاد در نوع است؛ مانند اتحاد زید و عمرو در انسان بودن (تفتازانی، ۱۴۱۱ق: ۱۴۸).

۲. «ازدواج» یعنی پیوستن هر چیز به نظیرش (مناوی، ۱۴۱۰ق: ۵۳).

۳. یکی از مباحث بلاغت و فصاحت، آن است که بخواهیم معنایی را در عبارتی بیاوریم؛ اما از لفظی مخصوص که برای آن معنا وضع شده، استفاده نکنیم؛ بلکه لفظی را به کار گیریم که به نوعی، تابع آن معناست؛ زیرا پیوسته ذکر تابع، دال بر متبوع است. این مبحث را ارداف یا تتبع می‌نامند؛ مثل این قول عمر بن ابی‌ربیع:

بَعِيدَةٌ مَهْوَى الْقُرْطِ إِذَا لُتَوَلَّى أَبُوهَا وَإِمَّا عَبْدٌ شَمْسٍ وَ هَاشِمٍ (خفاجی، ۱۹۸۲م: ۲۳۰).

تناسب^۱، تناظر^۲ و... است و تمام موارد ذکرشده پیش از آن که با مسائل بلاغی محض، در ارتباط باشند، با عناصر زیبایی‌شناسی، ارتباطی تنگاتنگ دارند (جمعه، ۲۰۰۵م: ۱۴۳).

بدین صورت، در تقسیم‌بندی‌ای دیگر می‌توان مقابله را بر سه نوع بدین شرح دانست:

الف) مقابله نظیری؛ مانند: «لَا تَأْخُذْهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ» (قرآن، بقره: ۲۵۵)؛ یعنی: او را چرتی و خوابی فرانمی‌گیرد. در اینجا، دو لفظ «سِنَّةٌ» و «نَوْمٌ» از باب خوابیدن و همانند یکدیگرند.

ب) مقابله نقیضی؛ مانند: «وَتَحْسِبُهُمْ أَيْقَاطًا وَهُمْ رُقُودٌ» (قرآن، کهف: ۱۸)؛ یعنی: در حالی که ایشان خفته بودند، آنان را بیدار می‌انگاشتی. در این آیه، واژه‌های «أَيْقَاطًا» و «رُقُودٌ» نقیض هم هستند.

ج) مقابله خلافی؛ مانند: «وَأَنَا لَأَنْدَرِي أَسْرًا أُرِيدَ بِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا» (قرآن، جن: ۱۰)؛ یعنی: ما نمی‌دانیم که آیا برای ساکنان زمین، شر و بلا در نظر گرفته شده است یا اینکه پروردگارشان خیر و هدایت ایشان را خواسته است. در این آیه، دو لفظ «شَرٌّ» و «رَشَدًا» خلاف هم‌اند؛ ولی نقیض یکدیگر نیستند؛ زیرا نقیض «الشَّرِّ»، «الخير» است و نقیض «الرشد»، «الغی» (مدنی، ۱۳۸۸ق: ۳۰۰).

۲-۳. فاصله

«فاصله» بخشی از مبحث نظم قرآن است که اهل فن در طول دوره‌های مختلف، تعریف‌ها و تعبیرهایی گوناگون را از آن به دست داده‌اند؛ مثلاً زرکشی در تعریف فاصله گفته است: «فاصله، کلمه آخر آیه می‌باشد و همانند قافیه در شعر و قرینه در سجع است» (زرکشی، ۱۳۷۶ق: ۵۳) و ابوبکر باقلانی درباره آن گفته است: «فاصله عبارت است از حروف شبیه به هم در مقاطع» (باقلانی، ۱۹۶۳م: ۲۷۰).

۱. «تناسب» همان مراعات نظیر است؛ به معنای گرد آوردن امری با آنچه متناسب با آن باشد؛ به شرطی که این ارتباط، از نوع تضاد نباشد؛ مثل این آیه: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۵) (قزوینی، ۱۹۹۸م: ۳۲۳).

۲. «تناظر» عبارت است از آوردن دو لفظ یا بیشتر که در معنا، نظیر یکدیگر باشند (مجله مجمع اللغة العربية بالقاهرة، ش ۹۰: ۵).

۲-۴. زیبایی‌شناسی مقابله

زیبایی‌شناسی مقابله در نصّ قرآنی عبارت است از بنای تقابلی، لغوی، بلاغی و موسیقایی که در نگرشی ناقدانه، فنی و زیبایی‌شناسانه نمود می‌یابد و به تناسب، موازات و بر ارتباط دوسویه بین دو جمله یا بیشتر از آن از حیث اختلاف یا هماهنگی تأکید می‌کند (جمعه، ۲۰۰۵م: ۹۰). هدف از این گونه زیبایی‌شناسی، ایجاد زیبایی لفظی و معنوی، تلاش ذهنی، و القای پیام در روح مخاطب به بهترین شکل است.

کاربرد مقابله در قرآن، زیبایی‌ها و حکمت‌هایی فراوان دارد که یکی از آن‌ها کمک به فهم معنای آیات است؛ مثلاً در سوره آل عمران می‌خوانیم: «وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ» (قرآن، آل عمران: ۹۷)؛ یعنی: و حج این خانه، واجب الهی است بر کسانی که توانائی برای رفتن بدانجا را دارند و هر کس کفر ورزد، چه خداوند از همه جهانیان بی‌نیاز است. در این آیه، خداوند متعال «عبارت» «وَمَنْ كَفَرَ» را به جای «وَمَنْ لَمْ يَحْجْ» که از سیاق جمله و بحث مقابله، قابل فهم است، به کار برده تا میزان زشتی عدم التزام به حکم الهی را بیان کند. (زمخشری، ۱۴۱۸ق: ۵۹۵).

یکی دیگر از زیبایی‌های تقابل، تحقق انتظار مخاطب در حلقه دوم کلام، پس از تلاشی ذهنی برای یافتن حلقه تمام‌کننده بخش اول آن است.

۲-۵. زیبایی‌شناسی فاصله و موسیقی

فاصله در قرآن، از نظر معنا و آهنگ، تأثیرگذار است و «درواقع، موسیقی قرآنی، پرتوهای از نظم خاصی است که در جای‌جای این کلام معجز، به‌وضوح قابل رؤیت می‌باشد» (زوبعی، ۱۹۹۶م: ۳۵۹)؛ به‌ویژه اینکه بنابه نقل قول محمد حسناوی از محمد عبدالوهاب حموده، اوج تجلی موسیقی قرآن، در فواصل و مقاطع آیات است (حسناوی، ۱۴۰۶ق: ۷۲). می‌توان گفت فاصله و موسیقی منحصر به فرد قرآن، در نگارگری معنا و اثرگذاری بر حس مخاطب، نقشی مهم دارد؛ به طوری که گاه حربه مشرکان در برابر تأثیر کلام الهی، این‌گونه بیان شده است: «مشرکین عرب، مردم را از

گوش دادن به قرآن منع می‌کردند تا جذب کلام الهی نشوند و شیرینی آن را نچشند، و همین مطلب امروزه، گاهی تحت عنوان “موسیقی قرآن” خوانده می‌شود» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش: ۷۳).

۳. سوره الرحمن

سوره الرحمن پنجاه و پنجمین سوره قرآن است و در مکه نازل شده است. «این سوره به بحث درباره اصول عقاید اسلامی پرداخته و به سان عروسی دربین سایر سوره‌های قرآن می‌باشد» (صابونی، ۲۰۰۱م: ۱۶۷). پیامبر اکرم (ص) درباره این سوره فرموده‌اند: «هر چیزی عروسی دارد و عروس قرآن، سوره مبارکه الرحمن است» (نوری، ۱۴۰۸ق: ۳۵۱).

این سوره که خداوند متعال در آن، بخشی از نعمت‌های بی‌پایان خود را برای مؤمنان یادآوری کرده، «تنها سوره‌ای است که با یکی از اسم‌های خداوند متعال آغاز شده است» (ابن عاشور، ۱۹۸۴م: ۲۲۹). دلیل آغازشدن این سوره با اعلام رحمت عمومی الهی،

ترغیب در انعام و احسان، و برحذر داشتن از انتقام الهی به واسطه قطع نعمت می‌باشد که نام این سوره (الرحمن) مؤید این نظر است و همچنین اتّصاف این سوره به «عروس قرآن» نیز این نکته را تأکید و تأیید می‌کند؛ چراکه این سوره حاوی زیورها، جواهرات و تاج‌هاست و به راستی که با دارا بودن این همه نعمت و جمال و کمال و سرور، عروس قرآن است (بقاعی، ۱۳۹).

با توجه به آنچه گفتیم، در این مقاله، در پی آنیم که بخشی از زیبایی‌های بی‌پایان این سوره را نشان دهیم و با ملاک قراردادن مبحث مقابله در مفهوم عام آن و موسیقی فواصل، این سوره مبارکه را بررسی کنیم.

۳-۱. زیبایی‌شناسی مقابله در سوره الرحمن

مقابله به معنای گسترده آن، در قرآن کریم، آشکارا نمود یافته است و در القای معنا و لطافت بخشیدن به فضای موسیقایی کلام الهی، نقشی اساسی دارد. این صنعت در سوره الرحمن، به بهترین شکل به کار رفته است. در اینجا، موارد مقابله را در این بخش از کلام الهی بررسی می‌کنیم:

- دو نوع علم: «عَلَّمَ الْقُرْآنَ» (قرآن، الرحمن: ۲)؛ یعنی: قرآن را یاد داد؛ «عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (قرآن، الرحمن: ۴)؛ یعنی: به او بیان (آنچه در دل است) آموخت.
- دو چراغ: «الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۵)؛ یعنی: خورشید و ماه برابر حساب (منظمی در چرخش و گردش) هستند.
- دو گونه گیاهی: «وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ» (قرآن، الرحمن: ۶)؛ یعنی: گیاهان و درختان برای خدا سجده می‌کنند و کرنش می‌برند.
- دو روی کرد درباره وزن: «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (قرآن، الرحمن: ۹)؛ یعنی: در وزن کردن و برکشیدن (کالاها و در متر کردن و اندازه‌گیری چیزها)، دادگرانه رفتار کنید و از ترازو مکاهید (و کم و کاست ندهید و کم‌فروشی نکنید!).
- دو نوع رُستنی: «وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ» (قرآن، الرحمن: ۱۲)؛ یعنی: و (در زمین، گیاهان خوش‌بو وجود دارد و همچنین دانه‌هایی است که در میان پوسته قرار دارند).
- چپستی ماده خلقت دو موجود: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (قرآن، الرحمن: ۱۴)؛ یعنی: خدا انسان را از گِل خشکیده‌ای همچون سفال آفریده است؛ «وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ» (قرآن، الرحمن: ۱۵)؛ یعنی: و جن را از زبانه شعله‌ور آتش خلق نموده است.
- دو مشرق: «رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ» (قرآن، الرحمن: ۱۷)؛ یعنی: او پروردگار مشرق‌هاست.
- دو مغرب: «وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ» (قرآن، الرحمن: ۱۷)؛ یعنی: او پروردگار مغرب‌هاست.
- دو دریا: «مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ» (قرآن، الرحمن: ۱۹)؛ یعنی: دو دریای (مختلف شیرین و شور، و گرم و سرد) را در کنار هم روان کرده و مجاور یکدیگر قرار داده است.
- استخراج دو شیء از دریا: «يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللُّؤْلُؤُ وَالْمَرْجَانُ» (قرآن، الرحمن: ۲۲)؛ یعنی: از آن‌دو، مروارید و مرجان بیرون می‌آید.
- جمع و افراد: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۲۶)؛ یعنی: همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دست‌خوش فنا می‌شوند؛ «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (قرآن، الرحمن: ۲۷)؛ یعنی: و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می‌ماند و بس.

- فنا و بقا: «كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۲۶)؛ یعنی: همه چیزها و همه کسانی که بر روی زمین هستند، دست خوش فنا می شوند؛ «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (قرآن، الرحمن: ۲۷)؛ یعنی: و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می ماند و بس.

- دو وصف برای خداوند متعال: «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (قرآن، الرحمن: ۲۷)؛ یعنی: و تنها ذات پروردگار با عظمت و ارجمند تو می ماند و بس.

- دو گروه درخواست کننده: «يَسْئَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» (قرآن، الرحمن: ۲۹)؛ یعنی: همه چیزها و همه کسانی که در آسمانها و زمین اند، (به زبان حال یا قال، روزی و نیاز خود را) از خدا درخواست می کنند. او پیوسته دست اندرکار کاری است.

- حساب رسی اعمال دو موجود: «سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهَا الثَّقَلَانِ» (قرآن، الرحمن: ۳۱)؛ یعنی: ای پریها و انسانها! به حساب شما خواهیم پرداخت.

- ناتوانی دو موجود: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۳۳)؛ یعنی: ای گروه پریها و انسانها! اگر می توانید، از نواحی آسمانها و زمین بگذرید، بگذرید؛ ولیکن نمی توانید بگذرید مگر با قدرت عظیم (مادی و معنوی).

- دو نوع عذاب برای دو موجود: «يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شُوَاظٌ مِّنْ نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» (قرآن، الرحمن: ۳۵)؛ یعنی: آتش بی دود و مس گداخته به سوی شما روانه می شود و بر سر شما ریخته می شود و شما همدیگر را نمی توانید یاری بدهید.

- دو نوع سرنوشت (فضای کلی سوره پس از آیه ۳۵).

- آشکار بودن سرنوشت دو گروه: «فَيَوْمَئِذٍ لَّا يُسْئَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ» (قرآن، الرحمن: ۳۹)؛ یعنی: در آن روز، هیچ پری و انسانی از گنااهش پرسش نمی شود زیرا آن روز، زمان تخریب جهان است؛ نه وقت سؤال یزدان).

- گرفتن دو قسمت بدن: «يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَاصِي وَالْأَقْدَامِ» (قرآن، الرحمن: ۴۱)؛ یعنی: گناه کاران با قیافه هایشان شناخته می شوند و ایشان با سرها و پاها گرفتار می شوند.

- حضور مجرمان در دو مکان: «يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمِ آن» (قرآن، الرحمن: ۴۴)؛ یعنی: گناه‌کاران در میان آتش دوزخ و آب بسیار گرم و سوزان، در رفت و آمد خواهند بود.
- دو بهشت: «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (قرآن، الرحمن: ۴۶)؛ یعنی: هر که از مقام پروردگار خود بترسد، باغ‌هایی (در بهشت) دارد.
- دو چشمه بهشتی: «فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ» (قرآن، الرحمن: ۵۰)؛ یعنی: در آنجاها، چشمه‌سارانی جاری است.
- از هر میوه، دو جفت وجود دارد: «فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ» (قرآن، الرحمن: ۵۲)؛ یعنی: در آنجاها، از هر میوه‌ای، اقسامی موجود است.
- وصف ظاهر و باطن فرش‌ها: «مُتَّكِنِينَ عَلَى فُرُشٍ بَطَّائِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ» (قرآن، الرحمن: ۵۴)؛ یعنی: بهشتیان بر فرش‌هایی تکیه می‌زنند و می‌لمند که (چه رسد به رویه‌های آنها)، آسترهای آنها از ابریشم ضخیم است.
- دو وصف برای حوریان: «كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ» (قرآن، الرحمن: ۵۸)؛ یعنی: انگار که آن حوریان، یاقوت و مرجان‌اند.
- دو بهشت که پایین‌تر از دو بهشت قبلی‌اند: «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ» (قرآن، الرحمن: ۶۲)؛ یعنی: جدا از باغ‌های پیشین، باغ‌های دیگری وجود دارد.
- دو رود پر آب: «فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّاخَتَانِ» (قرآن، الرحمن: ۶۶)؛ یعنی: در آن باغ‌ها، چشمه‌هایی است که قل‌قل‌کنان از زمین می‌جوشند.
- دو میوه از میوه‌های بهشتی: «فِيهِمَا فَاكِهَةٌ وَ نَخْلٌ وَ رُءْمَانٌ» (قرآن، الرحمن: ۶۸)؛ یعنی: در آن باغ‌ها، انواع میوه‌ها و از جمله خرما و انار است.
- دو حسن حوران بهشتی: «فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حَسَنَاتٌ» (قرآن، الرحمن: ۷۰)؛ یعنی: در میان باغ‌های بهشت، زنان خوب و زیبا هستند.
- دو صفت حوریان: «حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ» (قرآن، الرحمن: ۷۲)؛ یعنی: سیاه‌چشمی که هرگز از خیمه‌ها بیرون (نمی‌روند و اینجا و آنجا، به دنبال کارهای ناپسند) نمی‌روند.

- اسم و مسما: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (قرآن، الرحمن: ۷۸)؛ یعنی: نام پروردگار بزرگوار و گرامی تو چه مبارک نامی است!
- دو وصف برای خداوند متعال: «تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (قرآن، الرحمن: ۷۸)؛ یعنی: نام پروردگار بزرگوار و گرامی تو چه مبارک نامی است!

۲-۳. زیبایی شناسی فاصله در سوره الرحمن

همان گونه که گفتیم، «فاصله عبارت است از حروف شبیه به هم در مقاطع» (باقلائی، ۱۹۶۳م: ۲۷۰). سوره الرحمن یکی از سوره‌های آهنگین قرآن است و بنابر قول محققان، «شاید بارزترین سوره‌ای که در آن، موسیقی زیبای آیات، مشهود است، سوره الرحمن باشد» (جمعه، ۲۰۰۵م: ۱۱۳). واژه‌های مثنی (مختوم به «ان») در جای جای این سوره، آهنگی زیبا را طنین انداز کرده‌اند و افزون بر آن، واژه‌های غیرمثنای منتهی به «ان» هم با ایجاد فضای تشبیه در تاروپود آیات این سوره، آهنگی گوش‌نواز را به روح شنونده ارزانی کرده‌اند.

نگاهی کلی به مقاطع آیات این سوره نشان می‌دهد که بیشتر آیات آن، به «ان» ختم شده‌اند؛ به بیان دقیق‌تر، از مجموع ۷۸ آیه این سوره، ۶۷ آیه مختوم به «ان»، هفت آیه مختوم به «ام»، دو آیه مختوم به «ار»، یک آیه مختوم به «ین» ماقبل مفتوح و یک آیه نیز مختوم به «ون» است. در این میان، حروف «ن» و «ر» هم‌مخرج‌اند و در علم تجوید، آن‌ها را به‌اضافه حرف «ل»، حروف ذلقی می‌نامند. حرف «م» نیز با این حروف، قریب‌المخرج است و با دو حرف «و» و «ب»، مجموعه حروف شفوی را تشکیل می‌دهند؛ بدین ترتیب می‌توان قاطعانه گفت که آهنگی یک‌پارچه بر فضای این سوره، حاکم است.

یکی از ویژگی‌های ناشی از کاربرد تشبیه در این سوره، آن است که در تعبیرهای قرآنی، هر جا منظور از «الْجَنَّة»، باغ بهشت باشد، این واژه یا به‌صورت مفرد (جَنَّةٌ) آمده و یا به‌صورت جمع (جَنَّاتٌ)؛ اما الرحمن تنها سوره‌ای است که این لفظ در آن، به‌صورت مثنی به کار رفته است:

- «وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ» (قرآن، الرحمن: ۴۶)؛ یعنی: هر که از مقام پروردگار خود بترسد، باغ‌هایی (در بهشت) دارد.

- «وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ دَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۵۴)؛ یعنی: و میوه‌های رسیده باغ‌های بهشت، نزدیک و در دست‌رس است.

- «وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانٍ» (قرآن، الرحمن: ۶۲)؛ یعنی: جدا از باغ‌های پیشین، باغ‌هایی دیگر وجود دارد.

البته لفظ «الْجَنَّةُ» در برخی سوره‌های دیگر نیز به صورت مثنی آمده است؛ اما در آن موارد، باغ دنیایی مورد نظر است و همان طور که گفتیم، در هیچ جای قرآن، شکل مثنای این لفظ به معنای بهشت نیامده است.

بعضی محققان و عالمان علوم قرآنی نیز به تأثیر شگرف موسیقی بر آمده از حروف مد مختوم به «ن» و «م» اذعان داشته‌اند؛ مثلاً مصطفی صادق‌الرافعی نوشته است:

ماده صوت، مظهر انفعالات نفسانی است و این انفعالات، طبعاً باعث تنويع صوت و تغيير احوال آن از مد و لین و شدت و رخوت از اموری که با طباع و اصوات تناسب دارد، می‌گردد و برای صوت، حدودی از ایجاز و اطناب به اندازه حدت و ارتفاع و اهتزاز آن معین می‌نماید و این معنا در قرآن به سرحد کمال رسیده (رافعی، ۱۳۶۱ش: ۱۶۹).

او معتقد است مشرکان و ملحدان به خوبی، از این جنبه از اعجاز کلام الهی آگاه بودند و حتی غیرعرب‌ها نیز با شنیدن آیات الهی به وجد می‌آمدند و شور و شغفی وصف‌ناپذیر در وجودشان پدید می‌آمد. وی در ادامه گفته است: «از این جهت است که به نیکوگردانیدن صوت در قرآن ترغیب شده است؛ زیرا نیکویی صوت، باعث استقامت اوزان و شیوایی آن می‌گردد» (رافعی، ۱۳۶۱ش: ۱۶۹).

وی از تأثیر زایدالوصف مقاطع آهنگین کلام الهی نیز غافل نبوده و گفته است:

فواصلی که در قرآن آمده است، مخصوصاً آن‌هایی که به میم و نون با حرف مد ختم می‌شود، بر اهمیت آن می‌افزاید و این خود دلیل دیگری بر اعجاز قرآن است که از این راه (موسیقی)، افکار را به خود متوجه می‌سازد (رافعی، ۱۳۶۱ش: ۱۶۹).

۴. ارتباط مقابله و فاصله در سوره الرحمن

بررسی کاربرد مقابله و فاصله در این سوره مبارکه، وجود ارتباطی ظریف را بین این دو صنعت نشان می‌دهد که زیبایی لفظی و معنوی این سوره را بیش از پیش نمایان می‌کند.

فضایی که مقابله در این سوره پدید می‌آورد، آمیزه‌ای است از معانی مختلف که در بیشتر موارد - همان طور که گفتیم - از دو معنای نظیری، خلافی و نقیضی تشکیل شده است؛ مثلاً آیه ۴۴ این سوره، نمودی است از مقابله دو گانه از نوع نظیری بدین گونه که خداوند متعال می‌فرماید: «يُطُوفُونَ بَيْنَهَا وَ بَيْنَ حَمِيمٍ آتٍ» (قرآن، الرحمن: ۴۴)؛ یعنی: گناه کاران در میان آتش دوزخ و آب بسیار گرم و سوزان، در رفت و آمد خواهند بود.

در این آیه شریفه، مرجع ضمیر «ها» لفظ «جَهَنَّمُ» در آیه ۴۳ این سوره است. در این سوره، دو مکان نام برده شده که سرنوشت انسان‌های بدفرجام به آن‌ها منتهی می‌شود و هر دو از جمله عذاب‌های اخروی هستند. تصویری که مقابله در این آیه پدید می‌آورد، نمونه‌ای از مقابله نظیری است.

در آیه‌های چهاردهم و پانزدهم این سوره مبارکه، نوعی دیگر از تقابل دیده می‌شود که مقابله خلافی نامیده شده است: «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (قرآن، الرحمن: ۱۴)؛ یعنی: خدا انسان را از گِل خشکیده‌ای همچون سفال آفریده است؛ «وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ» (قرآن، الرحمن: ۱۵)؛ یعنی: و جن را از زبانه شعله‌ور آتش خلق کرده است.

این آیه بیانگر چستی ماده خلقت انس و جن است؛ بدین شرح که انسان از گِل خشکیده‌ای همچون سفال آفریده شده است و جن از زبانه شعله‌ور آتش. این دو ماده نه نظیر هم‌اند و نه نقیض یکدیگر؛ بنابراین، تقابل خلافی در این آیه، کاملاً آشکار است. درباره مقابله نقیضی نیز همان طور که گفتیم، فضای کلی سوره پس از آیه ۳۵، به تصویرگری مقابله نقیضی بین انسان‌های نیک‌فرجام و بدفرجام اختصاص یافته است.

این نوع مقابله دو گانه - که طبق آمار، تمام سوره را دربر گرفته است - با فضای تشبیه ناشی از فاصله «ان» و کلمه‌های شبیه به تشبیه عجین شده است؛ به گونه‌ای که همه الفاظ این سوره، نمادهایی از دوگانگی هستند؛ بنابراین، تصویر معانی دو گانه و نگارگری الفاظ مثنی، عامل ارتباط

بین این دو صنعت ادبی در کلام وحی الهی است. تلفیق این دو صنعت، زیبایی‌ای دوچندان به موسیقی این سوره بخشیده و دریافت معنا را دل‌چسب‌تر و زیباتر کرده است.

۵. نتیجه‌گیری

زیبایی‌شناسی به‌عنوان یکی از پایه‌های نقد معاصر، ناقدان و محققان حوزه ادبیات را در شناخت جنبه‌های مؤثر در درک معنا و موسیقی کلام یاری می‌دهد. سوره الرحمن به‌عنوان یکی از زیباترین سوره‌های قرآن، سرشار از انواع مقابله درمعنای گسترده آن است. مقابله نظیری، خلافی و نقیضی، ازمنظر معناشناختی، به فهم موضوع‌های موردبحث در این سوره کمک بسیار می‌کند و کشف این موارد، لذتی فراوان به خواننده هدیه می‌دهد. این نوع مقابله دوگانه، همراه با فضای تشبیه این سوره و همچنین کلمه‌های شبیه به مثنای ناشی از وجود فاصله «ان»، فضایی را پدید آورده‌اند که به آهنگین‌تر شدن و دل‌چسب‌تر شدن لفظ و معنا در این سوره کمک فراوان کرده است.

منابع

- قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴م). *تفسیر التحریر و التنویر*. جزء ۲۷. تونس: دارالتونسیه.
- الهی قمشه‌ای (۱۳۷۷ش). *مقالات*. چاپ دوم. تهران: روزنه.
- باقلانی، ابوبکر (۱۹۶۳م). *اعجاز القرآن*. تحقیق احمد صقر. مصر: دارالمعارف.
- بقاعی، برهان‌الدین (۱). *نظم الدرر فی تناسب الآیات و السور*. قاهره: دارالکتاب الاسلامی.
- تفتازانی، سعدالدین (۱۴۱۱ق). *مختصر المعانی*. چاپ اول. بیروت: دارالفکر.
- جرجانی، عبدالقاهر (۱۹۸۴م). *دلایل الاعجاز*. شرح محمود محمد شاکر. قاهره: مکتبه‌الخانجی.
- جمعه، حسین (۲۰۰۵م). *التقابل الجمالی فی النص القرآنی*. چاپ اول. دمشق: دارالنمیر.
- حسناوی، محمد (۱۴۰۶ق). *الفاصله فی القرآن*. چاپ دوم. بیروت: المکتب الاسلامی.
- حموی، ابن حجه تقی‌الدین ابوبکر علی بن عبدالله (۱۹۸۷م). *خزانة الادب و غایة الارب*. تحقیق عصام شعیثو. چاپ اول. بیروت: دار و مکتبه‌الهلال.
- خفاجی، عبدالله بن محمد بن سعید بن سنان (۱۹۸۲م). *سرفصاحه*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

- رافعی، مصطفی صادق (۱۳۶۱ش). *اعجاز قرآن و بلاغت محمد (ص)*. ترجمه عبدالحسین ابن‌الدین. چاپ دوم. تهران: بنیاد قرآن.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱ش). *پژوهشی در اعجاز علمی قرآن*. جلد اول. چاپ دوم. رشت: کتاب مبین.
- زرکشی، محمد بن بهادر بن عبدالله (۱۳۷۶ق). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. چاپ اول. مصر: دار احیاء الکتب العربیه.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۸ق). *الکشاف*. جزء اول. تحقیق عادل احمد عبدال موجود و علی محمد معوض. چاپ اول. ریاض: مکتبه العیکان.
- زوبعی، طالب محمد اسماعیل (۱۹۹۶م). *من اسالیب التعبير القرآنی*. چاپ اول. بیروت: دار النهضه العربیه.
- صابونی، محمدعلی (۲۰۰۱م). *ایجاز البیان فی سور القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار الجیل.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ش). *مشکوه الانوار*. چاپ دوم. نجف: کتابخانه حیدریه.
- عباسی، عبدالرحیم بن احمد (۱۹۴۷م). *مناهد التنصیص علی شواهد التنخیص*. تحقیق محمد محیی‌الدین عبدالحمید. بیروت: عالم‌الکتب.
- قزوینی، خطیب (۱۹۹۸م). *الایضاح فی علوم البلاغه*. تحقیق شیخ بهیج غزوی. بیروت: دار احیاء العلوم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش). *الکافی*. جلد پنجم. چاپ چهارم. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). *بحار الانوار*. جلد نهم. بیروت: مؤسسه الوفاء.
- *مجله مجمع اللغة العربیه بالقاهره*. ش ۹۰.
- محمود یاسین، مأمون (۱۴۱۸ق). *من روائع البدیع*. چاپ اول. دبی: دار الفکر العربی.
- مدنی، سید علی (۱۳۸۸ق). *انوار الربیع فی انواع البدیع*. جزء اول. تحقیق شاکر هادی شکر. چاپ اول. کربلا: مکتبه‌العرفان.
- مناوی، عبدالرئوف (۱۴۱۰ق). *التوقیف علی مهمات التعاریف*. تحقیق محمد رضوان الدایه. بیروت: دارالفکر.
- نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق). *مستدرک الوسائل*. چاپ اول. قم: مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.